



عوامل پیدایش آسیب در جامعه منتظر

شناخت عواملی که به پیدایی آسیب‌ها در جامعه منتظر می‌انجامد ضروری است. با بررسی این عوامل، زمینه برای برون‌رفت از مشکلات پیش آمده فراهم خواهد شد.

۱. عوامل درون فردی

۱-۱. فراموشی ولایت خدا و معصومان علیهم‌السلام

از آنجا که یاد خداوند، هسته مرکزی دینداری است؛ چنانچه این مقوله را از دینداری جدا کنیم، انسان به نوعی به «فراموشی خداوند» مبتلا شده، از دین‌گریزان می‌شود. ممکن است انسان خود را به ظاهر متوسل به دین بداند؛ اما چون از هسته مرکزی دین، یعنی اعتقاد به خدا غافل مانده، به نوعی در سرآشویی دین‌گریزی قرار گرفته است؛ به تعبیر دیگر، خدا فراموشی، زمینه سریع تری را برای گریزان شدن از دین فراهم می‌کند.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او نیز آنان را دچار خود فراموشی کرد؛ آنان همان نافرمانانند.^۱

پس سرانجام فراموشی خدا، فسق است و فسق و دینداری با هم جمع نمی‌شوند.

نیز اتصال به حبل المتقین الهی، یعنی امامان معصوم، انسان را در مقابل حوادث بی دینی و دین‌گریزی مصونیت می‌دهد. کسانی که از این مقامات عظیم الشان الهی تخلف ورزند، در معرض هجوم امواج بی دینی تاب مقاومت ندارند و به مسیری برخلاف مسیر هدایت و دین‌کشانده می‌شوند. امام علی علیه‌السلام نقش امامان را زنده نگه داشتن سنت پیامبر و جاری ساختن حدود الهی می‌داند:

همانا بر امام واجب نیست جز آنچه را که خدا امر فرماید و آن،

کوتاهی نکردن در پند و نصیحت، تلاش در خیر خواهی، زنده نگه داشتن سنت پیامبر، جاری ساختن حدود الهی بر مجرمان و رساندن سهم‌های بیت المال به طبقات مردم است.^۲

۲-۱. فقر فرهنگی

فقر و غنا در اندیشه معصومان علیهم‌السلام در معنای گسترده تری از تهی دستی و بی‌نیازی مالی به کار رفته است. مراد از فقر فرهنگی، تهیدستی مردم نسبت به مسائل فرهنگی، مانند عدم شناخت و عمل به مسائل دین، به عنوان جزء مهم فرهنگ، است. در مقابل، مراد از غنای فرهنگی، قوت و استحکام در عرصه علمی و عملی فرهنگ و التزام به مسائل فرهنگ دینی است.

غنای فرهنگی باعث مصونیت فکری و فرهنگی می‌شود و آسیب‌زدایی آفت‌های دینی را به دنبال خواهد داشت؛ ولی فقر فرهنگی و عدم آشنایی عمیق با مسائل دینی، آسیب‌پذیری فرهنگی و دینی را در پی خواهد داشت.

۳-۱. خودخواهی و دنیاگرایی

دنیا طلبی، به معنای اسارت در دام دنیا، از عوامل جدا کننده حقیقت‌طلبان از باطل‌جویان است. عصر ظهور، با تغییر نگاه جامعه به مظاهر دنیایی، به صورت علمی و عملی، این موانع را برطرف خواهد کرد.

از آن‌جا که حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام عالم‌گیر است و منفعت‌طلبان به عدالت سوق داده می‌شوند، بیشترین مخالفت‌ها، از دنیاطلبان و دنیاخواهانی است که در هراس از دست دادن آن، یا در شوق و عشق زیاده‌خواهی‌اند.

اگر انسان خوب رهبری نشود و از خود مراقبت نکند، علاقه اش به وابستگی تبدیل می‌شود. «وسيله» به «هدف» استحاله می‌شود، «رابطه» به صورت «بند» و «زنجیر» در می‌آید. این آفتی است که قرآن و نهج‌البلاغه، انسان را درباره آن هشدار داده است.^۳

اسارت دنیا و نگاه صرفاً دنیایی به زندگی، آدمی را از هر کس که سخنی غیر از دنیا بگوید، متنفر می‌سازد و این خود زمینه‌ای برای عدم اطاعت و همراهی و گاه نفرت از امام را فراهم می‌آورد. از این رو دنیاخواهی در کوتاه‌نگری منتظران نیز بسیار دخیل است.

۴-۱. اشتیاق غیر معقول

برخی ذهنیت‌ها در میان منتظران، متوجه این معنی است که تنها اعتقاد به اهل بیت و محبت امام زمان علیه‌السلام برای عمل به انتظار کافی است. چنین کسانی می‌پندارند که به صرف حضور در جامعه منتظر، به رستگاری رسیده‌اند؛ از این رو، در برابر اعمال و رفتار و وظایف خود مسؤول نبوده و در قبال گناهان خود عذابی نخواهند داشت. این توهم که در قرآن و روایات نیز مردود شمرده شده است، تمنی یا امید کاذب نام دارد. آن‌چنان که اهل کتاب نیز گمان می‌بردند همین که نام دین و مذهب را بر خود نهاده‌اند، اهل سعادتند و عذاب نخواهند شد.^۴

آرزوگرایی بدون عمل در باب انتظار، سبب بروز آسیب‌هایی می‌شود که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به عمل نکردن به وظایف فردی و اجتماعی انتظار، دامن‌زدن به انتظار منفی و عدم اقدام عملی و انجام وظیفه در قبال امام و بروز توهم بی‌جای رضایت از خویش و بدگمانی به دیگران اشاره کرد. با این اوصاف، توجه دادن افراد منتظر به تأمل و تدبّر در آیات و روایاتی که سلامت اعمال و رفتار را تنظیم کرده، معیارهای عمل صالح را بیان می‌کنند.^۵

۲-۲. عوامل برون فردی

۲-۱. عدم معرفت عمومی

شاید بتوان اصلی‌ترین و جدی‌ترین عاملی که به بروز آسیب‌های اجتماعی در جامعه منتظر می‌انجامد را عدم معرفت عمومی دانست. این مسأله تنها به افراد منتظر محدود نمی‌شود؛ بلکه به سطح وسیع تری از عدم معرفت، که فضای عمومی و اجتماعی را شامل می‌شود، مربوط شده، تأثیرات عمیق تری از خود برجای می‌گذارد.

برای فرجش چه کردیم؟

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ

عوامل پیدایش آسیب

در جامعه منتظر

۲-۳. فقر و غنای مفرط اقتصادی

علاوه بر فقر فرهنگی، فقر اقتصادی نیز می‌تواند باعث ضعف و نقصان دین‌داری شود. فردی که برای تأمین نیازهای اولیه و ضروری زندگی مادی خود، از صبح زود تا پاسی از شب به طور مستمر به کار سخت و طاقت فرسا تن می‌دهد، طبیعی است نتواند وظایف دینی و شرعی خود را به صورت شایسته انجام دهد. عدم انجام شایسته تکالیف دینی نیز باعث ضعف و نقصان دین‌داری خواهد شد. باتوجه به این واقعیت، در اندیشه امیرالمؤمنین (علیه السلام) فقر از جمله علل نقصان و ضعف دین‌داری ذکر شده است.^۹

امام علی (علیه السلام) همانند قرآن، غنا و بی‌نیازی مفرط اقتصادی را عامل طغیان و عصیان می‌داند؛^{۱۰} نتیجه این که فقر و غنای مفرط اقتصادی هر دو، می‌توانند به دینداری آسیب وارد کنند.

پی‌نوشت:

۱. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (سوره حشر، (۵۹): ۱۹).
۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵.
۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴.
۴. «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (سوره بقره (۲): ۱۱۱).
۵. آیاتی مانند محتوای سوره والعصر که شرایط عمل خالص همراه با انجام وظایف فردی و اجتماعی را بیان می‌کند. [انسان‌ها همه در زیانند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند و یک دیگر را به حق سفارش کرده و یک دیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند]، از این دسته به شمار می‌روند.
۶. روحانیت و جامعه‌پذیری سیاسی، ص ۲۴ (به نقل از rogers cruton و علی اکبر شعاری تزاد).
۷. بنیادهای علم سیاست، ص ۱۱۸.
۸. همان، ص ۱۲۱.
۹. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹.
۱۰. غررالحکم ودررالكلم، ج ۳، رقم ۴۷۰۷.

به عبارت دیگر، اگر بروز آسیب‌های فردی را ناشی از عوامل پیش‌گفته بدانیم، آنچه سبب پذیرش این عوامل و آسیب‌های برآمده از آنان می‌شود، سطح پایین معلومات عموم جامعه است که به چنین ادعاها و تحرکاتی، امکان ظهور و بروز می‌دهد.

در چنین زمینه‌ای «شبهه» و «بدعت» بروز یافته، فضای حیات دینی جامعه منتظر را آلوده می‌سازد.

۲-۲. ضعف جامعه‌پذیری

مراحل یا فرایندی است که شخص راه‌ها، افکار، معتقدات و سایر خصوصیات مناسب مورد نیازش را برای عضویت در جامعه به دست می‌آورد که مهم‌ترین پیامد آن، شناخت خود است و آن‌ها را جزء شخصیت خویش می‌نماید.^۶

برای نمونه، در بحث‌های سیاسی، به عقیده سیگل: «جامعه‌پذیری سیاسی، یادگیری تدریجی هنجارها، ایستارها و رفتار قابل قبول برای یک نظام سیاسی در حال تغییر است».^۷

عامل‌های عمده جامعه‌پذیری عبارتند از:

خانواده، مدرسه، گروه‌های هم‌تا، تجربه‌های طی دوره کار، رسانه‌های جمعی و تماس مستقیم با نظام سیاسی. البته گروه‌های هم‌تا یا دلبسته، تأثیر پایداری از مدارس یا دانشگاه‌ها دارند. تجربیات افراد در میان دوستان، در ایجاد تغییری کامل در ایستارهای ذهنی آنان اساسی است. در نتیجه چنین تأثیراتی، ایستاری خصوصیت‌آمیز و پرخاش‌گرانه به آسانی ممکن است به ایستار هم‌کاری تبدیل شود یا برعکس.^۸

جامعه منتظر و قوانین کلیدی آن، بهترین فرصت را برای اهالی آن ایجاد نموده تا بتوانند با پذیرش چنین جامعه‌ای، خود را از آسیب‌ها در امان بدارند.